



Research Article

Education Relying on "the General Plan of Educational System for Surveying Religious Training in the First Two Decades of Islamic Revolution: Based on Islamic Republic of Iran"¹

Hojatollah Abasi

PhD. student, Philosophy of Islamic Education, Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom, Iran. hojatollah.110@gmail.com

Abstract

The present study has been conducted with the purpose of surveying foundations, purposes, and principles, of religious training, in the first two decades of Islamic revolution revolving around "the general plan of education system in Islamic Republic of Iran" using qualitative content analysis. Exploring upstream documents with the purpose of recognizing the root of defects in the past as well as likely defects in future in terms of religious training are among the most important necessities for conducting this research. After Islamic revolution, along with the change of philosophy dominant in the education system in Iran, families left the issues of their children's training to the only formal and public educational institute in the country. It is while the reports indicate weakness in religious training to students at different levels. The results of this research show that religious training is derived from Islamic instructions in two fields of beliefs and religion, while the document under study regards religious training equal to Islamic training which is an inexperienced outlook on this subject. Although some basics, principles, and objectives have generally and vaguely been raised in this regard, not enough attention has been paid to the field of religious training. The analysis and conclusion of the results show that the approach of religious education in the above document is not integrative that is per se one of the most fundamental causes for weakness in the religious training of students.

Keywords: Religious Training, Students, Education System, Islamic Training, Educational System.

1. **Received:** 2021/11/27 ; **Accepted:** 2022/01/12

© the authors

<http://tarbiatmaaref.cfu.ac.ir/>





بررسی تربیت دینی در دو دهه اول انقلاب اسلامی: با تکیه بر «طرح کلیات نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران»^۱

حجت‌الله عباسی

دانشجوی دکتری، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم،
ایران. hojatollah.110@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی مبانی، اهداف و اصول تربیت دینی در دو دهه اول انقلاب اسلامی، با محوریت «طرح کلیات نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران»، با روش تحلیل محتوای کیفی انجام شده است. بررسی اسناد بالادستی با هدف ریشه‌یابی اشکالات گذشته و همچنین اشکالات احتمالی بعدی در حوزه تربیت دینی، از مهم‌ترین ضرورت‌های این پژوهش است. بعد از انقلاب اسلامی، با تغییر فلسفه حاکم بر آموزش و پرورش، خانواده‌ها امر تربیت دینی فرزندان خود را به تنها نهاد تربیت رسمی و عمومی در کشور سپردند. در حالی که گزارش‌ها حاکی از ضعف تربیت دینی در سطوح مختلف دانش‌آموزی است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که تربیت دینی برگرفته از آموزه‌های اسلامی در دو حوزه اعتقادی و عبادی است، در حالی که سند مورد بررسی، تربیت دینی را مساوی با تربیت اسلامی لحاظ داشته و این نگاهی غیرتخصصی به حوزه تربیت دینی است. همچنین در حوزه تربیت اعتقادی به صورت کلی و مبهم برخی از مبانی، اصول و اهداف را مطرح نموده است؛ اما در حوزه تربیت عبادی، توجه چندانی صورت نگرفته است. از بررسی و جمع‌بندی یافته‌های پژوهش به دست می‌آید که رویکرد آموزش دین در سند فوق، رویکردی تلفیقی نیست؛ که این خود از مهم‌ترین علل ریشه‌ای در ضعف تربیت دینی دانش‌آموزان است.

کلیدواژه‌ها: تربیت دینی، دانش‌آموزان، نظام آموزش و پرورش، تربیت اسلامی، نظام آموزشی.

۱. تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۰۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۲۲

ارجاع به این مقاله: عباسی، حجت‌الله (۱۴۰۰). بررسی تربیت دینی در دو دهه اول انقلاب اسلامی: با تکیه بر «طرح کلیات نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران». *پژوهش در آموزش معارف و تربیت اسلامی*، (۱)، ص ۷-۲۶.

۱. مقدمه

تعلیم و تربیت در زندگی بشر، مهم‌ترین و اساسی‌ترین جنبه زندگی است. به طوری که هرگونه انحراف در آن، باعث انحراف در سایر امور زندگی می‌شود. توانایی‌های انسان در زندگی، بروز و ظهور پیدا می‌کند و انسانیت انسان تحقق می‌یابد. در اسلام به این موضوع مهم، توجه بسیار شده و قواعد مناسبی برای رشد انسان تعیین شده است. هدف غایی در تربیت اسلامی، پرورش انسان مقرب الهی است که شاکله‌ی دینی در وجود او به طور کامل شکل بگیرد و رفتارهای دینی ریشه‌دارتر از او سر بزند (باقری، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۸۱). فلسفه خلقت بشر را نیز در همین نکته می‌توان یافت که خداوند، انسان را برای این آفرید که او به وسیله تربیت صحیح، کمال یابد و به سرمنزل مقصود برسد. با علم به این هدف غایی، تربیت دینی اهمیت و جایگاه خاصی پیدا می‌کند.

ارتباط دین و تربیت همواره مورد توجه اندیشمندان تربیتی بوده است. نگاه دینی و حاکمیتی به تربیت، نوعی آرمان‌خواهی مکاتب تربیتی در قرون گذشته و یک شاخصه‌ی غیرقابل تردید بوده، تا جایی که تقابلی میان این دو احساس نمی‌شده است. اما پس از خیزش انسان به سوی علم تجربی و وانهادن جانب دین بر اثر غروری هدفمند اما منحرف، تقابل جدی احساس شد؛ تا جایی که بسیاری از مکاتب تربیتی و رویکردهای موجود، پس از رنسانس و در حدود نیمه‌های قرن اخیر، بحث از دخالت دین در تربیت و ارتباط آن دو با یکدیگر را به عنوان یک امر حاشیه‌ای تلقی کردند. بازنگری آموزه‌های دینی و بازخوانی مجدد آن مطابق با نیاز توسعه جهان امروز از یک طرف و گرایش انسان دردمند از دستاوردهای فرهنگی فناوری و دلبستگی‌های دینی و آرمانی از طرف دیگر، موجبات رونق دوباره این بحث را فراهم کرده است (مشایخی‌راد، ۱۳۷۸، ص ۷۸).

ایران به عنوان یکی از کشورهای مذکور در تاریخ جهان، فارغ از تربیت دینی نبوده است. هر زمان که حکومت وقت کشور، خود دینی بوده، تربیت هم براساس همان دین صورت می‌گرفته است؛ زمانی هم که حکومت‌ها دینی نبوده‌اند و یا اهمیتی به تربیت دینی مردم داده نمی‌شد، خود مردم به صورت‌های غیررسمی مشغول تربیت دینی فرزندان خود بوده‌اند.

با وقوع انقلاب اسلامی، ارتباط دین و حکومت به طور جدی‌تری مطالبه شد و این انتظار شکل گرفت که نظام نوپای اسلامی در جهت تحقق دین در همه عرصه‌های زندگی از جمله تربیت، گام‌های اساسی را طی نماید. از این‌رو با وقوع انقلاب اسلامی براساس آموزه‌های ناب اسلام، با هدف اجرایی شدن دستورات و آموزه‌های اسلام در تمام جنبه‌های فردی و اجتماعی، تاکنون مهم‌ترین نهاد تعلیم و تربیت رسمی کشور تعطیل نشده است. بروز انقلاب باعث شد که تغییراتی در سازمان و نهاد آموزش و پرورش رخ دهد، اما

سؤال اینجاست که این تغییرات در چه سطحی بود؟ قبل از انقلاب، تربیت دینی افراد بیشتر به صورت غیررسمی در خانواده، مسجد، هیئت و دیگر مکان‌های مذهبی صورت می‌گرفت و چون حکومت سابق، دینی نبود، والدین خود متکفل اصلی تربیت دینی بودند. در حالی که با وقوع انقلاب اسلامی و شکل‌گیری انتظار فوق، تمایل والدین نسبت به سپردن فرزندان به نهاد تعلیم و تربیت رسمی کشور بیشتر شد.

برای بررسی تحولات مربوط به تربیت دینی در سطح نهاد تربیت رسمی و عمومی کشور پس از انقلاب اسلامی، می‌توان به دو دهه از لحاظ تاریخی توجه نمود. البته باید دقت داشت که در هر دو دهه اتفاق بزرگی در متولّی تربیت رسمی کشور افتاده است. به منظور بررسی تربیت دینی به دنبال حرکت‌های برخاسته از فلسفه جدید حاکم بر نهاد تربیت رسمی کشور که انقلاب اسلامی به دنبال تحقق آن بوده، گذری تحلیلی به دوره اول آن خواهیم داشت:

۱) دو دهه اول انقلاب اسلامی (دهه شصت و هفتاد): تصویب طرح کلیات نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران، مصوّب ۱۳۶۹.

۲) دو دهه دوم انقلاب اسلامی (دهه هشتاد و نود): سند تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۹۲.

آنچه در ادامه بررسی خواهد شد، تربیت دینی در دو دهه اول انقلاب اسلامی با محوریت طرح کلیات^۱ خواهد بود. ما می‌خواهیم بدانیم که تربیت دینی در طرح کلیات چه جایگاهی داشته است؟ براساس مبانی اسلامی، همه انسان‌ها صاحب حق و حقوقی - فطری و وضعی - هستند. یکی از حقوق اساسی و مسلم کودکان، نوجوانان، جوانان و حتی میان‌سالان و بزرگسالان، حق تعلیم و تربیت است. فرموده پیامبر اکرم (ص): «اطلبوا العلم من المهد الی اللحد»، «از گهواره تا گور کسب دانش کنید» (پاینده، ۱۳۸۲، ص ۲۱۹)، اهمیت و ضرورت برخورداری از این موهبت الهی را نشان می‌دهد. امروزه نیز آموزش مداوم و مستمر، از شعارهای مهم محافل علمی و تربیتی جهان است. در عصر کنونی تقریباً همه حکومت‌های جهان، بر این باورند که آموزش و پرورش، حقی است که با زیست انسان پیوند خورده است و هرچه زندگی پیچیده‌تر شود، ضرورت وجود آن افزایش می‌یابد. نوعی سرمایه‌گذاری بلندمدت است که سود آن در سراسر عمر پدیدار می‌شود. باید در سراسر حیات آدمی داده شود و در فراهم آوردن به صورت مناسب آن برای همگان، کوتاهی نشود. امری پیچیده، وقت‌گیر و پرمایه است

۱. به جهت اختصار پژوهش، نام کامل «طرح کلیات نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران، مصوب شورای تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش ۱۳۶۹»، تکرار نخواهد شد و به اختصار در این پژوهش «طرح کلیات» نامیده می‌شود.

که سرمایه‌گذاری بیشتر، برنامه‌های نظام‌یافته و همکاری نهادهای گوناگون جامعه را می‌طلبد. نظر به چنین اهمیتی است که در عصر کنونی، همه دولت‌های جهانی، پرداختن به آموزش و پرورش مردم خود را در شمار وظایف اساسی می‌دانند و برای همگانی، سراسری و حتی اجباری کردن آن، تعهدات سنگینی در قانون‌های اساسی و بنیادی خود می‌کنجاندند و درصد زیادی از تولید ناخالص ملی و بودجه‌ی جاری و عمرانی کشور را به این امر مهم اختصاص می‌دهند. تا جایی که تحقق اهداف حکومت‌ها، به موفقیت در این عرصه گره خورده است. علاوه بر این متولیان ادیان نیز در جهت ایفای این حق، با حکومت‌ها همسو و هم‌جهت شده‌اند.

از سوی دیگر، تحلیل اسناد و اطلاعات گذشته، خود می‌تواند موضوع پژوهش‌های جالبی باشد (رضویه، ۱۳۹۳، ص ۲۴۳). واقعیت‌های مربوط به گذشته، اغلب حاوی اطلاعات مفیدی است که بررسی آن‌ها می‌تواند راهگشای تصمیم‌گیری‌های جدید باشد. پژوهش حاضر به دنبال ریشه‌یابی ناکامی‌های تربیتی و اجتماعی قبلی از یک‌سو و پیشگیری از ناکامی‌های احتمالی بعدی از سوی دیگر اقدام به بازخوانی اسناد مربوط به تربیت رسمی و عمومی کشور نموده است.

بررسی‌های به عمل آمده در زمینه آموزش دینی و کیفیت آن، حاکی از آن است که وضع موجود در مدارس از جهات مختلف و به علت‌های گوناگون، رضایت‌بخش نیست. چنانکه در تحقیقات انجام شده، دانش‌آموزان نسبت به درس دینی احساس دل‌زدگی نشان داده‌اند (سعیدی رضوانی، ۱۳۷۳؛ حق‌شناس و قاسمی، ۱۳۶۸). تجربیات موجود و تحقیقات انجام شده در مدارس، نشانگر آن است که مسئله آموزش دینی از وضعیت خوبی برخوردار نبوده و گاه با تأثیرات معکوسی نیز همراه بوده است (باهنر، ۱۳۷۸). حال سؤال این است که ریشه این ناکامی‌های تربیتی چیست؟ آیا مربوط به طرح کلیات است؟ این طرح چگونه به مسئله تربیت دینی پرداخته و اساساً تربیت دینی در آن چه جایگاهی دارد؟ از این‌رو، اگر جایگاه و نقش تعلیم و تربیت دینی در نظام آموزش و پرورش مشخص شود و خلاءهای قانونی آن برطرف گردد، امید است که از بسیاری ناکامی‌های بعدی جلوگیری شود و سیاست‌مداران در تصمیم‌گیری‌های خود توجه بیشتری به آموزش دین و تربیت دینی نمایند.

۲. پیشینه پژوهش

محققین فراوانی پیرامون وضعیت تعلیم و تربیت در دوران انقلاب اسلامی دست به تحقیق زده‌اند (برای نمونه: صافی، ۱۳۹۱؛ باهنر، ۱۳۷۶؛ علاقه‌مندان، ۱۳۸۱). این محققین با هدف وضعیت‌سنجی، اقدام به توصیف نظام تربیت رسمی و عمومی کشور نموده‌اند. همچنین در ارتباط با تربیت دینی و

آسیب‌شناسی آن نیز برخی از کارشناسان و محققین ورود کرده‌اند (برای نمونه: کشاورز، ۱۳۸۷؛ محمدیان، ۱۳۸۱؛ تصدیقی و تصدیقی، ۱۳۸۸) که یافته‌های آنان نشان‌دهنده توصیف یک نظام مطلوب و معیار برای تربیت دینی در این نهاد تربیتی است. اما در بررسی‌های صورت گرفته، چند نقص مشاهده گردید که ما را بر آن داشت تا با این دید وارد تحقیق توصیفی-تحلیلی حاضر شویم. آن نقص‌ها عبارتند از:

۱) مراد آن‌ها از تربیت دینی، تربیت عام اسلامی است که شامل همه حوزه‌های تربیت می‌شود. به علاوه اینکه در پیدایش آثار عملی آن تربیت دقت دارند.

۲) تمرکز آن‌ها بر مدارس و اجرای قوانین آموزش و پرورش بوده است. لذا، با نگاه فلسفی به بررسی اسناد مرتبط پرداخته و بیشتر به دنبال موانع تربیت دینی دانش‌آموزان در مدارس بوده‌اند.

وجود اشکالات بنیادی و مهم در نظام تربیت رسمی کشور و گزارش‌های عدم تناسب آن‌ها با نظام اسلامی مانند گزارش‌ها و مصوبات شورای تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش^۱، پژوهش حاضر را بر آن داشت تا نگاهی دوباره به مهم‌ترین سند تغییر نظام آموزش رسمی کشور بعد از انقلاب اسلامی (در دو دهه اول) داشته و آن را از نگاه تربیت دینی مورد بررسی قرار دهد.

۳. سوالات پژوهش

۳-۱. سوال اصلی

تربیت دینی در طرح کلیات، به عنوان مهم‌ترین سند تربیت رسمی در دو دهه اول انقلاب اسلامی، چگونه است؟

۳-۲. سوالات فرعی

- ۱) مبانی تربیت دینی در طرح کلیات چگونه است؟
- ۲) اهداف تربیت دینی طرح کلیات چگونه است؟
- ۳) اصول تربیت دینی طرح کلیات چگونه است؟

۴. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر با روش تحلیل محتوای کیفی- در مقابل تحلیل محتوای کمی- انجام شده است؛

۱. جهت مطالعه بیشتر مراجعه شود به جزوه تنگناها و مشکلات نظام موجود آموزش و پرورش، نشریه شماره دو، ستاد اجرایی تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش، مهرماه ۱۳۶۵؛ پیوست دوم طرح کلیات نظام آموزش و پرورش ۱۳۶۹.

روشی که به بررسی نظام‌مند محتوای درون متن و کشف مضامین خاص آن می‌پردازد (رضویه، ۱۳۹۳، ص ۱۱۱). داده‌های کیفی مورد نیاز پژوهش حاضر از طریق جستار در متون و اسناد معتبر، گزینش و تهیه منابع مزبور، مطالعه عمیق و تلاش برای تعیین مضمون‌های واقعی آن‌ها گردآوری گردیده و به تحلیل موضوعی، تعیین مقوله‌های موردنظر و ارائه تحلیل نهایی متن پرداخته شده است.

۵. مفهوم‌شناسی و استخراج رویکرد

۵-۱. تربیت دینی

«تعلیم» واژه‌ای عربی، از ماده علم، به معنای آموزش و یاد دادن است. معادل فارسی «تربیت» را پرورش دانسته‌اند، از مشتقات ماده «رب» بوده که فراخوانی وسیعی از آیات قرآن کریم را در برگرفته است (باقری، ۱۳۹۰، ص ۵۳). ترکیب این دو یعنی «تعلیم و تربیت»، در کاربردی عام به معنای فرایند انتقال و تعمیق دانش‌ها و بینش‌ها، هدایت و تقویت نگرش‌ها و شکوفاسازی هماهنگ استعدادها و توانایی‌های انسان در ابعاد روحی و بدنی برای رسیدن به کمال مطلوب است (مصباح یزدی، ۱۳۹۰، ص ۳۰). همچنین تعلیم و تربیت اسلامی یعنی تعلیم و تربیتی که بر مبنای معرفت‌شناختی، هستی‌شناختی، الهیاتی، انسان‌شناختی و ارزش‌شناختی اسلامی مبتنی باشد (همان، ص ۳۵).

تربیت دینی، در دایره‌المعارف بین‌المللی تربیت این‌گونه تعریف شده است: تدریس منظم و برنامه‌ریزی شده که هدف از آن دستیابی فرد به اعتقاداتی درباره وجود خداوند، حقیقت جهان هستی و زندگی و ارتباط انسان با پروردگارش و انسان‌های دیگری است که با او زندگی می‌کنند و بلکه همه آحاد بشر (سعید، ۱۳۸۰، ص ۶۴). برخی دیگر، تربیت دینی را فرایندی می‌دانند که در نتیجه آن، متربی اصول دین را پذیرفته، به آن‌ها ایمان آورده و در عمل به احکام آن ملتزم باشد (باقری، ۱۳۷۹، ص ۲۲۵). تعریف اول خاص عقاید بوده و تعریف دوم در گستره کل دین توسعه پیدا می‌کند. شاید بتوان تعریف دیگری را افزوده و معنای اخص تربیت دینی یعنی پرورش جنبه اعتقادی و عبادتی متربی را اراده کرد (داوودی، ۱۳۸۸، ص ۴۳).

از تعاریف فوق می‌توان دریافت که رایج‌ترین معانی اصطلاح «تربیت دینی» به این شرح است: به معنای تربیت متخذ از منابع دینی که واژه دینی وصف تربیت باشد، به معنای تربیت بُعد دینی انسان، یعنی مجموعه اعمال عمدی که با هدف آموزش گزاره‌های اعتقادی یک دین و پرورش ایمان و التزام عملی به آن آموزه‌ها صورت می‌گیرد که واژه دینی قید اضافی برای تربیت باشد. در این معنا بعد دینی انسان، هم‌عرض ابعاد دیگر او مانند بعد عقلی، بعد عاطفی، بعد اجتماعی و بعد جنسی قرار دارد و از

مقوله اعمال و اقداماتی است که در طی یک فرایند انجام می‌شود تا نهایتاً ایمان و التزام عملی به یک دین خاص در افراد به وجود آید (موسوی، ۱۳۹۱، ص ۲۴).

از آنجا که شخص دیندار نسبت به سه عرصه مکلف است (غزالی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۲، ص ۳۵)، به عبارت روشن‌تر، عرصه‌های دینداری، حدنصاب آن، التزام شناختی و باورمندانه، عاطفی و رفتاری به دین است (موسوی، ۱۳۹۱، ص ۲۵)، بنابراین، تربیت برگرفته از آموزه‌های دین با هدف پرورش انسان دیندار، می‌تواند در سه حوزه عقایدی، اخلاقی و مناسکی باشد که تربیت دینی به معنای خاص، شامل تربیت اعتقادی و مناسکی خواهد بود (داوودی، ۱۳۸۸، ص ۴۳). مراد پژوهش حاضر از تربیت دینی، همین معنای خاص تربیت دینی (شامل حوزه عقایدی و مناسکی) است.

۵-۲. نظام آموزش و پرورش

نظام، در فرهنگ لغت (دهخدا، عمید و معین ذیل همین واژه) به معنی آراستن، نظم دادن، مرتب کردن و اصول و قواعدی که چیزی براساس آن نهاده شده، است. در هر جامعه‌ای نظام‌های متعددی مانند نظام اداری، نظام اقتصادی و نظام آموزشی وجود دارند. نظام آموزش و پرورش به نظامی گفته می‌شود که الگوی کلی نهادها، مؤسسات و سازمان‌های رسمی جامعه بوده و وظایف انتقال فرهنگ و شکوفاسازی آن، پرورش فرد و تربیت نیروی انسانی ماهر و متخصص را بر عهده دارد (علاقه‌مند، ۱۳۹۰، ص ۱).

آنچه در دهه‌های اخیر از سوی نویسندگان، اندیشمندان و گاهی نظریه‌پردازان حوزه تربیت اسلامی تحت عنوان «نظام تربیت» ارائه شده است. برای نمونه کتاب *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*، تلاشی برای تحلیل فعالیت‌های مربیان و سازمان‌های متولی امر تربیت در قالب یک چارچوب و به منظور توصیف ساختار دخیل در تحقق فرایند تربیت بوده است. مراجعه به گزارش‌هایی که این ساختار را معرفی می‌کنند (برای نمونه: باقری، ۱۳۹۰؛ اعرافی، ۱۳۹۱) نشان می‌دهد که اجزاء اصلی آن را مبانی، اهداف، اصول و روش‌های تربیت تشکیل می‌دهد. «مبانی تربیت» ناظر به گزاره‌هایی است که به توصیف جهان هستی، معرفت به آن و نیز ویژگی‌های عمومی انسان می‌پردازد که می‌تواند با همه آنچه در عرصه تربیت رخ می‌دهد، مرتبط باشد. «اهداف»، به موقعیت‌های مطلوب و در دسترس که غایت فرایند تربیت - مقصود عامل تربیت - است، مربوط می‌شود. «اصول و روش‌ها» هم ضوابط تجویزی و قانونمندی‌های شناخته شده‌ای هستند که در سطحی از کلیت و انتزاع، راهنمای مربی در حیطه عمل تربیت هستند و روش‌ها هم شکل خرد شده و عملیاتی همان اصول تربیت به شمار می‌روند.

۶. تربیت دینی و طرح کلیات نظام آموزش و پرورش

اندیشه انقلاب فرهنگی و ضرورت تغییر بنیادی نظام فرهنگی - آموزشی کشور از نخستین روزهای پیروزی انقلاب اسلامی دغدغه اصلی فرهنگیان مسلمان بود. امت اسلامی دیگر اسارت فرهنگی را بیش از این تحمل نمی‌کرد و برای تبلور ارزش‌های انقلاب اسلامی، تلاش‌هایی را در جهت تغییر بنیادین نظام آموزشی کشور مانند دیگر نظام‌های فرهنگی آغاز نمودند. «طرح پیشنهادی کلیات نظام آموزش و پرورش» یکی از آثاری است که با تشکیل شورای تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش تولید گردید.

اکنون با گذشت سالیانی از انقلاب و نگاه‌های تحولی در آموزش و پرورش، هنوز دغدغه تربیت دینی ابتدای انقلاب در حوزه آموزش و پرورش تحقق نیافته است. وقتی اسناد آموزش و پرورش در این دوره مهم، مورد مطالعه نقادانه قرار می‌گیرد، روشن می‌شود که مفهوم‌شناسی دقیقی از تربیت دینی صورت نگرفته است. هرچند، مفهومی عام از تربیت اسلامی یعنی تربیت انسان‌های متدین به دین اسلام استنباط می‌گردد. اساساً در این طرح، تعریفی مصطلح از تربیت دینی و حتی از تربیت ارائه نشده است؛ چراکه آن را پیش فرض تحقیقاتی خود گرفته‌اند. طرح کلیات در پیشگفتار خود بیان می‌دارد که: «وظیفه اصلی نظام آموزش و پرورش، تربیت انسان‌های الهی و هم‌جهت و هماهنگ با معیارهای اسلامی است. تزکیه نه تنها از تعلیم جدا نیست، بلکه به صورت انفکاک‌ناپذیر به آن پیوسته است و بر آن تقدّم رُتبی دارد» (طرح کلیات، ۱۳۶۹، ص ۹).

وقتی بنا است که طرحی بنیادی برای یک نهاد بزرگ و رسمی طراحی شود، لازم است ابتدا مفهوم‌شناسی دقیقی صورت گیرد، زیرا این مفهوم‌شناسی ما را از برخی اشتباهات مفهومی و مصداقی بازمی‌دارد. به فرموده برخی محققین، قبل از ورود به هر بحثی باید ابتدا مراد خود را از واژه‌هایی که معانی مختلفی دارند، به خصوص مشترکات لفظی، روشن کرد، زیرا این امر باعث می‌شود معانی لغوی متعدد با هم خلط نشود. همچنین اشتباه فراروانی که از ناحیه خلط معنای لغوی و اصطلاحی و یا خلط مفهومی و مصداقی پیش می‌آید، ایجاد نگردد (مصباح یزدی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۲۶).

رویکردی که می‌توان نسبت به مفهوم تربیت دینی از سند مذکور استنباط نمود، رویکرد آموزش دین به صورت موضوعات مجزا است. در چند جای طرح به توأم بودن تعلیم و تربیت و حتی تقدّم تزکیه و تربیت دینی سخن به میان آمده است، اما در فصل اجرایی آن راهکارهای مناسبی ارائه نکرده است و همین امر باعث شده که ادارات و مدارس با آن شعارگونه و آرمانی برخورد کنند.

برخی محققین، دست نیافتن دانش‌آموزان به اهداف عالیه تربیت دینی در نهاد تربیت رسمی کشور را نبود رویکرد تلفیقی، بین‌رشته‌ای و درهم تنیده در فرایند برنامه‌ریزی درسی تربیت دینی می‌دانند

(سعیدی رضوانی و بینقی، ۱۳۸۰، ص ۱۲۶). علاقه‌مندان که از مسئولان نهاد رسمی آموزش و پرورش بوده است، بیان می‌دارد: ما در آموزش و پرورش در بحث برنامه‌ریزی، دچار یک نوع تفکر سکولاریسمی هستیم؛ یعنی عرصه تربیت دینی را از عرصه تربیت جدا کرده‌ایم. مثلاً وقتی می‌خواهیم راجع به تربیت اجتماعی و توسعه آن صحبت کنیم، یک برنامه اجتماعی می‌نویسیم و هدف را دانستن و عمل کردن آن مقررات می‌دانیم. بعد هم یک برنامه جدا می‌نویسیم و نام آن را دینی می‌گذاریم و می‌گوییم این هم متکفل امر آخرت شما است. امر دینی را به معلم دینی می‌سپاریم و امر ریاضی را به معلم ریاضی. این عرصه‌ها را به این لحاظ که گفته‌ایم (در فصل اجرایی طرح) دو ساعت دینی داریم و دو ساعت ریاضی و دو ساعت اجتماعی، موضوعات را دو وجهی کرده‌ایم (علاقه‌مندان، ص ۱۷۱).

بنابراین، جای مفهوم‌شناسی دقیق در این طرح خالی است. البته شاید برخی بگویند سخن از چیستی، در فلسفه تربیت می‌آید، اما باز اشاره به معانی و مراد از الفاظی که اساس طرح بر آن‌ها استوار است، لازم و ضروری به نظر می‌رسد. از این رو، خوب بود واژه‌های مهمی همچون تربیت، تزکیه، تعلیم و تربیت، آموزش و پرورش، تربیت اسلامی، تربیت رسمی و عمومی، ابتدا مفهوم‌شناسی می‌گردید، سپس به تبیین اهداف و مبانی تعلیم و تربیت اسلامی در جهت تغییر بنیادین نظام آموزش و پرورش پرداخته می‌شد. هرچند این اشکال بعداً به وسیله‌ی تدوین مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش پوشش داده شد.

۶-۱. مبانی تربیت دینی در طرح کلیات تغییر نظام

۶-۱-۱. تعریف مبانی

در فلسفه تربیت اسلامی آن دسته از گزاره‌های خبری که در علوم دیگری اثبات می‌شوند و به گونه‌ای بر دانش تربیت اسلامی تقدم منطقی دارند و در بررسی مسائل تعلیم و تربیت اسلامی مورد استفاده قرار می‌گیرند را مبانی تربیت اسلامی می‌نامند. برخی از آنچه تحت عنوان مبانی تربیت اسلامی بیان می‌شوند، ممکن است علاوه بر این، برای برخی علوم دیگر نیز مبنا باشند. همچنین رابطه مبانی با یکدیگر ممکن است طولی یا عرضی باشد. بنابراین، مبانی افزون بر اصول موضوعه که در علوم دیگر اثبات می‌شوند، شامل اصول متعارفه نیز است (مصباح یزدی، ۱۳۹۰، ص ۸۳).

مبانی را به گونه‌های مختلفی تقسیم‌بندی می‌کنند. یک نمونه معروف، تقسیم آن به مبانی معرفت‌شناختی، خداشناختی، جهان‌شناسی، انسان‌شناختی، ارزش‌شناختی و دین‌شناختی است. از این میان به جهت نبود مجال در این بحث به مبانی دینی تربیت دینی اکتفاء می‌شود.

۶-۱-۲. توصیف

طرح کلیات، در بخش اول، مبانی تعلیم و تربیت اسلامی را این‌گونه تعریف نموده است: «یک رشته اصول اساسی که از جهان‌بینی مکتب اسلام و چگونگی نگرش این مکتب به جهان و انسان به دست آمده و نظام تعلیم و تربیت اسلامی بر آن استوار است» (طرح کلیات، ۱۳۶۹، ص ۹). سپس برای فهم و تبیین مبانی تربیت اسلامی ابتدا به دیدگاه اسلام پیرامون انسان - مبانی انسان‌شناختی - پرداخته شده است. طرح کلیات با استفاده از تعالیم اسلامی نشان داده که انسان موجودی است مرکب از روح و بدن، روح گوهری مجرد یا غیرمادی است، فناپذیر یا جاودانه، که حقیقت وجودی انسان هم همان روح یا نفس اوست؛ و بدن موجودی مادی، متحول، متغیر، فناپذیر و ابزار نفس است. بدن، قوا و استعدادهایی دارد و نفس هم شئون، قوا، استعدادها، گرایش‌ها و یا فطرتی خداگرا، حق‌جو و کمال‌گرایی دارد. کمال واقعی و نهایی انسان در این است که همه این قوا و استعدادها در هر کدام از نفس و بدن و در مجموع آن‌ها، براساس تعالیم و دستورهای دینی به صورت متوازن و هماهنگ در جهت وصول به مقام قرب و رضا و لقای خداوند تربیت شود و به فعلیت برسد و به آن مقام که غایت اصلی و پایانی سیر انسان است، نائل گردد (همان، ص ۳۹).

الف) شئون، قوا و استعدادهای انسان: شئون وجودی انسان که پایه‌های تعلیم و تربیت اسلامی بر آن استوار است، شامل: «فطرت، عقل، اختیار، مسئولیت انسان، عواطف، ذوق هنری، حیات اجتماعی و بعد زیستی» می‌باشد. در این طرح به تفسیر و تبیین سرشت پاک انسان و خداگرایی فطری او پرداخته شده است. خداگرایی فطری را این‌گونه معنا می‌کند که در انسان نوعی شناخت غیر اکتسابی نسبت به ذات پاک خداوند وجود دارد. «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقِيمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (روم، ۳۰).

دومین بُعد وجودی انسان که در این طرح اشاره شده است و نقش اساسی در مبانی تربیت دینی دارد، قوه‌ای به نام عقل است که وجود آن بدیهی بوده و انسان رفتار خود را با آن جهت می‌دهد و هدایت می‌کند. اساس هرگونه تکلیف‌پذیری، قوه‌ای به نام اختیار است که خداوند در سرشت انسان نهاده است. لذا، باید متعلم را به گونه‌ای تعلیم داد و تربیت کرد که همواره از روی آگاهی و اختیار کامل رفتار کند و از وابستگی فکری و روحی بپرهیزد و در یکایک کارهایی که می‌خواهد انجام بدهد و حتی از آغاز تا پایان آنچه آغاز کرده از روی آگاهی و اختیار کامل عمل کند. از آنجا که انسان از روی علم و آگاهی مسیر زندگی خود را انتخاب می‌کند (اختیار دارد)، پس مسئولیت‌پذیر و در برابر تکالیف اختیاری خویش، مسئول است و باید پاسخگوی آن‌ها باشد. «اتَّقُوا اللَّهَ فِي عِبَادِهِ وَ بِلَادِهِ فَإِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّىٰ عَنِ

الْبِقَاعِ وَ الْبَهَائِمِ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۶۷، ص ۲۴۲).

در نهاد انسان عواطف فراوانی، از جمله محبت و تنفر، نهاده شده است. در اسلام اساس معاشرت و برخورد افراد با یکدیگر چه با هم کیش و چه با غیر هم کیش، بر رحمت و محبت و سلم است. «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ»، «به سبب رحمتی (خاص) از سوی خداوند نسبت به آن‌ها نرم خو شدی و اگر درشت خوی و سخت دل می بودی از پیرامونت پراکنده می شدند» (آل عمران، ۱۵۹). نظام آموزش و پرورش باید در برنامه ریزی و اجرا به پرورش متعادل عواطف و پیشگیری از فقر عاطفی افراد فراگیر توجه داشته باشد. با توجه به اینکه در انسان گرایش فطری به زیبایی و کمال وجود دارد، تجلی کامل آن وقتی است که با آگاهی و شناخت توأم باشد که ذوق هنری را پدید می آورد. برنامه ریزی برای تربیت این ذوق و استفاده از آن در اجرای برنامه های آموزشی و تربیتی یکی از وظایف مهم آموزش و پرورش است.

انسان موجودی به لحاظ طبعش مدنی و اجتماعی است، با جامعه دادوستد، تعاون، تعامل، کنش و واکنش دارد. باید در برنامه ریزی تربیتی و آموزشی، جهت رفع نیاز جامعه را ملحوظ داشت. متعلم در عین حالی که استقلال فکری خود را در چارچوب اصول کلی حفظ می کند، فردی اجتماعی و پذیرای قوانین صحیح اجتماعی و آماده برای کار گروهی تربیت شود و در کارهای سیاسی هم به عنوان یک تکلیف مهم و حساس شرکت کند. همچنین در نظام آموزش و پرورش باید نظافت فردی و گروهی، نظافت محیط زندگی و کار، حفظ تندرستی، انواع ورزش، همان طور که اسلام بدان اهمیت داده است، در برنامه ریزی، تدوین کتاب و اجرای برنامه ها ملحوظ و مورد توجه باشد.

ب) کمال نهایی انسان: «قرب و لقای خداوند»: انسان، موجود برگزیده الهی است که خداوند او را به خود اختصاص داده و او را خلیفه خود ساخته است. بنابر آیات قرآن کریم و روایات، انسان دارای کرامت ذاتی بوده و این کرامت در سرشت و استعدادی است که خداوند او را با آن آفریده است، و پایان مسیر و کمال نهایی او را قرب و لقای خویش قرار داده، اگر درست به تکلیف خود عمل کند و استعداد خویش را برابر تعالیم دین به فعلیت برساند. «يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ * اذْجِعي إِلَىٰ رَبِّكَ رَاضِيَةً مُّرْضِيَةً * فَادْخُلِي فِي عِبَادِي * وَ ادْخُلِي جَنَّتِي»، «ای نفس آرام و مطمئن، خشنود و مورد رضایت [خدا] به سوی پروردگارت بازگرد و در میان بندگان من در آی؛ و در بهشت من داخل شو» (فجر، ۲۷-۳۰). این بینشی است که نظام آموزش و پرورش تحقق همه جانبه آن را باید در برنامه ریزی و اجرا کاملاً در نظر داشته باشد و پیداست کسانی که با این بینش و روش، تعلیم و تربیت یافته باشند، با دیگران تفاوت های بارزی خواهند داشت.

۶-۲. بررسی

در طرح کلیات به مبانی نسبتاً خوبی پرداخته شده است، اما نکته اول اینکه، مبانی بیان شده تعداد اندکی از مبانی تربیت دینی اسلامی است. طرح باید دقیق‌تر و با وضوح بیشتر به مبانی تربیت دینی می‌پرداخت. چراکه همان‌طور که گذشت، مبانی نقش مهمی در تمام گام‌ها و مراحل بعدی تربیت دارند. با توجه به تعریف مبنا و آنچه گذشت و همچنین اهمیتی که مبانی در برنامه‌ریزی نظام آموزش و پرورش دارند، باید ردپای آن در تهیه محتوا بیشتر دیده شود. به عبارت دیگر، پیوندی بین مبانی مطرح شده در طرح کلیات با واقعیت تربیت در مدارس برقرار نشده است.

ثانیاً طرح کلیات، به سازوکار پیگیری این مبانی در نظام اجرایی آموزش و پرورش نپرداخته است. در واقع نمی‌توان در اکثر محتواهای درسی، کمال واقعی و نهایی انسان و همچنین دیگر مبانی را ملاحظه کرد. تا جایی که در مقاطع مهمی مثل راهنمایی تحصیلی، تنها دو درس بینش اسلامی و قرآن متکفل تربیت دینی بودند که اتفاقاً بنابر مطالعات انجام شده، اثربخشی آن دو در تحقق اهداف تربیتی در پایین‌ترین حد ممکن بوده‌اند (کشاورز، ۱۳۸۷ الف، ص ۸۸).

۷. بررسی اهداف تربیت دینی در طرح

۷-۱. اهداف در تربیت دینی

هدف، تعیین‌کننده جهت و مقصد حرکت است و برای مصون ماندن از انحراف در مسیر باید از پیش به دقت معلوم باشد. مقصود از هدف در تعلیم و تربیت، نتیجه‌ای است که با انجام دادن رفتارهای مشخص و برنامه‌ریزی شده، حصول آن از دیدگاه صاحب‌نظران و برنامه‌ریزان و نه لزوماً از دیدگاه خود متعلمان و متربیان، مطلوب است، یعنی آنچه شایسته است که به عنوان امر مطلوب در برنامه‌های تعلیمی و تربیتی، در نظر گرفته شود و همه رفتارها و فعالیت‌های تعلیمی و تربیتی یا دسته‌ای از آنها برای دستیابی به آن صورت گیرد (مصباح یزدی، ۱۳۹۰، ص ۲۱۲). در یک تقسیم‌بندی می‌توان هدف را به نهایی و غیر نهایی تقسیم کرد. هدف نهایی در تربیت دینی رسیدن به همان هدف نهایی در تربیت اسلامی است. در تربیت اسلامی گفته می‌شود آنچه نهایتاً باید مصداق کمال نهایی انسان به حساب آید و هدف نهایی او قرار گیرد، قرب اختیاری به خداوند متعال است (همان، ص ۲۱۵).

۷-۱-۱. توصیف

در این طرح، کمال نهایی انسان در نظام تعلیم و تربیت اسلامی به عنوان هدف غایی، رسیدن به

قرب الهی است (طرح کلیات، ۱۳۶۹، ص ۴۶). سپس این هدف غایی به اهداف و مقاصد روشن‌تری تجزیه می‌شود. اهداف را در قالب اهداف کلی تعلیم و تربیت اسلامی به صورت زیر مطرح نموده است: «اهداف اعتقادی، اهداف اخلاقی، اهداف علمی و آموزشی، اهداف فرهنگی و هنری، اهداف اجتماعی، اهداف سیاسی و نظامی، اهداف اقتصادی، اهداف زیستی». از میان اهداف مطرح شده در طرح کلیات، تنها اهداف اعتقادی، مربوط به تربیت دینی می‌باشد و دیگر اهداف به دیگر ساحت‌های تربیت مربوط است که در این پژوهش به دنبال بررسی آن نیستیم.

اهداف اعتقادی مطرح‌شده در طرح شامل:

۱. تقویت ایمان و اعتقاد به مبانی اسلام و بسط بینش الهی براساس قرآن کریم و سنت پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع) با مراعات اصول ۱۲ و ۱۳ قانون اساسی در مورد پیروان مذاهب اسلامی و اقلیت‌های دینی؛

۲. پرورش روحیه مبارزه با کفر و شرک و نفاق و همه مظاهر آن‌ها (همان، ص ۴۶).

هدف تربیت اعتقادی، پرورش ایمان و اعتقاد به آموزه‌های بنیادین دین است. از سوی دیگر، خود ایمان و اعتقاد سه مؤلفه دارد که عبارت است از: شناخت، پذیرش و محبت (داوودی، ۱۳۸۸، ص ۴۴). بنابراین، هدف تربیت اعتقادی نیز همین سه مؤلفه را خواهد داشت:

مؤلفه نخست، یعنی شناخت، بدین معناست که مرتبی باید شناخت کافی درباره‌ی آموزه‌های بنیادین، مانند خدا، صفات خدا، نبوت، امامت و معاد داشته باشد، زیرا بدون شناخت، ایمان و اعتقادی نیز حاصل نخواهد شد و اگر حاصل شود، تقلیدی خواهد بود و پایدار نیست و با اندک چالشی از میان خواهد رفت.

مؤلفه دوم، پذیرش است. ممکن است کسی نسبت به آموزه‌های دینی، شناخت کافی داشته باشد، ولی آن‌ها را نپذیرد. دلایل گوناگونی می‌تواند مانع این پذیرش باشد. به هر حال تا زمانی که مؤلفه دوم حاصل نشود، ایمان و اعتقادی نیز در وجود مرتبی جوانه نمی‌زند.

مؤلفه سوم، محبت و علاقه است. اگر کسی خدا را بشناسد، صفات او را بشناسد و در برابر این شناخت تسلیم شود، یعنی وجود و صفات خدا را بپذیرد تا زمانی که جرقه‌هایی از محبت و علاقه در دل او نسبت به خداوند روشن نشده باشد، به مرحله ایمان قلبی نرسیده است. شاید خطاب خداوند به حضرت موسی (ع): «أَحِبِّينِي وَحَبِّينِي إِلَيَّ خَلْقِي»، «من را دوست بدار و کاری کن که آفریده‌هایم نیز من را دوست بدارند» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۳، ص ۳۵۱)، ناظر به همین مطلب باشد.

بنابراین، وقتی گفته می‌شود که هدف تربیت اعتقادی فراهم کردن زمینه برای پرورش ایمان و اعتقاد به آموزه‌های بنیادین دینی است، منظور این است که برنامه تربیت دینی باید به گونه‌ای تدوین شود که

متربی بتواند اولاً، خدای عزوجل، پیامبر(ص)، ائمه(ع) و معاد را بشناسد، دوماً، نسبت به آن‌ها علاقه و محبت پیدا کند و در نهایت مطیع دستورات آن‌ها بوده و خود را ملزم به رعایت دستوراتشان بداند.

۷-۱-۲. بررسی و نقد

حال با توجه به آنچه گذشت باید گفت، این طرح کلی در اهداف تربیت دینی کارشناسانه و با دقت عمل نکرده است. چراکه در حوزه اعتقادی اولاً، بسیار کلی و مبهم دو مورد را بیان نموده و ثانیاً، آموزه‌های بنیادین و اصلی را بیان نکرده است. به طور مثال جای این هدف در طرح خالی است: «پرورش روحیه‌ی پذیرش حاکمیت مطلق خداوند بر جهان و انسان و اعمال این حاکمیت در جامعه براساس اصل ولایت فقیه». روشن شدن هدف تربیت اعتقادی، نقش مهمی در تدوین و سامان دادن برنامه‌های تربیت دینی دارد. همچنین در حوزه تربیت عبادی، اصلاً ورود نکرده و اشاره‌ای نداشته است. دقت دیگری که در اهداف مطرح شده در طرح کلیات می‌توان بیان کرد این است که به طور کلی اهداف مدنظر در این طرح همان اهدافی است که ما از کل مجموعه تربیت اسلامی انتظار داریم. به عبارت دیگر، این اهداف مطرح شده، باید به وسیله نظام تربیت اسلامی که شامل تربیت رسمی و تربیت غیررسمی می‌شود، نائل گردد. اگر توقع داشته باشیم که فقط نظام تربیت رسمی تمام آن اهداف را نائل شود، می‌توان گفت که در آن وقت این اهداف صرفاً آرمانی خواهند بود و دانش‌آموز مثلاً در پایان سال سوم راهنمایی به این هدف نائل شده باشد که خداوند را به خاطر خداییش پرستش و اطاعت کند، این بسیار آرمانی خواهد بود و نشانه نهادن بار سنگین و پیچیده تربیت دینی بر دوش نه‌چندان توانمند نهاد آموزش و پرورش است (کشاوری، ۱۳۸۷ الف، ص ۹۰).

۸. بررسی اصول تربیت دینی در طرح کلیات

۸-۱. مفهوم «اصل» در قلمرو تربیت

ارائه‌ی تعریفی نسبتاً جامع از اصل، مبتنی بر شناخت روابط موجود میان عناصر تشکیل‌دهنده‌ی نظام تربیتی است. شاید نفی ویژگی عناصر دیگر تشکیل‌دهنده‌ی نظام از اصل، زمینه‌ی مناسب‌تری را برای شناخت آن فراهم آورد. اصل، دارای ماهیتی هنجاری و ناظر به «باید»ها است. از این جهت با «مبنا» که خود منشاء اشتقاق اصل است و ماهیتی کاملاً توصیفی دارد و ناظر به «هست»ها است، تفاوت دارد (هوشیار، ۱۳۲۷، ص ۱۶؛ باقری، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۶۸).

از طرف دیگر، اصل با هدف نیز نمی‌تواند یکی باشد، چراکه ابزاری برای نیل به آن (هدف) قلمداد می‌گردد (شکوهی، ۱۳۶۷، ص ۸۴). البته ذکر این نکته مهم است که اصل یک ابزار و معیار کلی برای

گزینش روش‌های گوناگون است؛ از این رو نمی‌تواند همان روش باشد، بلکه راهنمایی برای انتخاب روش‌های تربیت قلمداد می‌شود (باقری، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۶۹).

هرگاه در فرایند تربیت بخواهیم به هدف برسیم، باید پیوسته ارتباط ساخت (مبنا) و عمل (روش) را با عامل هدف در قالب اصل تعریف نماییم. در واقع اصل، حاصل مشارکت این سه عامل اساسی در نظام تربیتی است. بنابراین، ارائه‌ی هرگونه تعریفی از اصل، بدون توجه به مشارکت عوامل سه‌گانه مذکور، نمی‌تواند یک تعریف کامل و جامع باشد. بدین لحاظ، تعریف موردنظر ما نگاهی انحصاری به هیچ یک از ساختار یعنی مبنا و کارکرد، یعنی روش، ندارد، بلکه دارای رویکرد ارتباط متقابل میان ساختار (مبنا) و کارکرد (روش) است (هوشیار، ۱۳۲۷، ص ۴۹).

براساس این رهیافت، تعریف اصل چنین است: سلسله قواعد و معیارهای کلی (بایدها) که متناسب با ظرفیت‌های انسان انتخاب و به منظور تعیین روش‌های تربیتی برای دستیابی به اهداف، مورد توجه قرار می‌گیرند (مشایخی، ۱۳۸۱، ص ۳۲). برخی اصولی که در زمینه تربیت دینی می‌توان نام برد که از متون دینی استخراج می‌شود، عبارتند از: اصل خدامحوری، اصل تعبدمداری، جامع‌نگری و اعتدال، توجه به کرامت انسان، توجه به آزادی و حق انتخاب انسان، اهتمام به حفظ هویت دینی و مصونیت فردی.

۸-۱-۱. توصیف

در این طرح، اصول حاکم بر نظام آموزش و پرورش در قالب پنج فصل و ۷۶ اصل بیان گردیده است. این اصول دربرگیرنده سیاست‌های مهم، نکات حساس، اولویت‌ها، جهت‌گیری‌ها و چگونگی سازماندهی و ساختار کلی نظام آموزش و پرورش است و راه دستیابی به اهداف را نشان می‌دهد. در تدوین آن‌ها، با تکیه بر مبانی تعلیم و تربیت اسلامی و بهره‌گیری از تعالیم عالیه این دین مبین و مفاد قانون اساسی، از دستاوردهای بشری و تجارب ایران و دیگر کشورهای جهان در زمینه آموزش و پرورش تا جایی که با تعالیم اسلامی مبیّتی نداشته‌اند، استفاده شده است (طرح کلیات، ۱۳۶۹، ص ۵۰). از هفتاد و شش اصلی که بیان شده است، اصول زیر ارتباط بیشتری با تربیت دینی دارد که به جهت اختصار صرفاً نام برده می‌شود:

- ♦ محور قرار دادن قرآن و سنت معصومین (ع).
- ♦ تقدم تزکیه بر تعلیم
- ♦ تعمیم تربیت دینی
- ♦ اولویت تعلیم و تربیت دینی
- ♦ توأم ساختن تعلیم و تعلّم

۸-۱-۲. بررسی

یکی از دلایل توفیق نیافتن ما در تعمیق تربیت دینی این است که در نظام آموزشی، تعلیم را از

تربیت جدا کرده‌ایم. برخی معلم‌ها مثل معلم ریاضی، محتوای کتاب‌های درسی خود را آموزش می‌دهند، در حالی که مربی پرورشی به دنبال رسالت تربیت است. این در حالی است که تربیت دینی به رویکرد تلفیقی نیاز دارد و اساساً تربیت یک کار گروهی بوده و همه اعضای مدرسه در وظیفه خطیر تربیت سهم دارند (تصدیقی و تصدیقی، ۱۳۸۸، ص ۵). این مطلب به عنوان یک اصل در طرح کلیات به خوبی بیان شده و از مبانی هم گرفته شده است و اشکالاتی که برخی به جدایی تعلیم از تربیت در نظام آموزشی این دوره گرفته‌اند، از نبود این اصل نیست، بلکه به عدم تبیین دقیق و طراحی در طرح کلیات و اجرای آن در مدارس برمی‌گردد.

همچنین با توجه به اهداف تربیت دینی، برخی از اصول مهم در تربیت دینی وجود دارند که باید در طرح کلیات به آن پرداخته می‌شد، ولی متأسفانه حضور آن کم‌رنگ است. برای نمونه برخی محققین اشکالی را تحت عنوان «ضعیف بودن روحیه پژوهش در معلمان و دانش‌آموزان» مطرح نموده‌اند. از سویی اگر دانش‌آموز مطالب مورد نیاز خود را جست‌وجو نماید و از راه تحقیق به دست آورد و از سوی دیگر معلمان هم او را تشویق نمایند و آموزش را به صرف انتقال مطالب تبدیل نکنند و اندیشیدن را بیاموزند، یادگیری، علاوه بر عمق و پایداری بیشتر، به جریان تربیت نیز کمک خواهد نمود. برای مثال به جای انتقال حجم زیادی از اطلاعات درباره احکام دین، باید دانش‌آموز را با چگونگی مراجعه به رساله عملیه و کتاب‌های دینی و استفاده از آن‌ها آشنا کرد (همان، ص ۷).

۹. نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی تربیت دینی در دو دهه اول انقلاب اسلامی ایران با محوریت طرح کلیات نظام آموزش و پرورش و تعیین جایگاه تربیت دینی در طرح کلیات بود. پس از مفهوم‌شناسی و توصیفی از وضعیت مبانی، اهداف و اصول تربیت دینی در این طرح، ذیل هر بحث به یافته‌هایی اشاره گردید. اکنون در مقام تفسیر آن یافته‌ها، ابتدا این نکته را یادآور می‌شویم که تربیت دینی در این طرح به مثابه همان تربیت اسلامی است، یعنی هر جا در طرح و دیگر اسناد مشابه سخن از تربیت دینی دانش‌آموزان آمده، مراد، تربیت آن‌ها براساس آموزه‌های اسلامی در تمام ساحت‌ها و ابعاد است.

از آنجا که این طرح، یک طرح کلی برای آموزش و پرورش بوده است، به ناچار بسیاری از مباحث را به صورت کلی بیان کرده است. این بیان کلی، از یک جهت حُسن کار است، چون مقتضای کار این اختصار بوده است، اما از سویی دیگر، باعث ضعف شده است؛ چراکه به نوعی ابهام‌گویی و کلی‌گویی در بخش‌های مهم کار مثل مبانی، اهداف و حتی اصول منجر شده است. این ابهام منجر به عدم تحلیل

فلسفی درست و در نتیجه عملیاتی نشدن فلسفه حاکم بر طرح است. شاید اگر اعضای شورای ستاد تغییر بنیادی نظام در طراحی و تألیف این طرح دقت بیشتری می‌کردند، از این قبیل اشکالات اساسی پیش نمی‌آمد. چراکه خود آن‌ها هدف اولیه در طراحی این طرح را، تغییر فلسفه حاکم بر تعلیم و تربیت موجود بیان داشته‌اند: «فلسفه وجودی نظام آموزشی قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، در مجموعه مقاصد تربیتی متضمن آمادگی برای زندگی مطلوب فردی و اجتماعی خلاصه می‌شد، به گونه‌ای که اهداف کلی اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، معنوی، سیاسی و پرورشی را بدون جهت‌گیری خاص عقیدتی و ساختار اجتماعی جامعه‌ی اسلامی ایران در برمی‌گرفت» (طرح کلیات، ۱۳۶۹، ص ۱۸). آیا صرفاً با بیان این‌که هدف غایی ما قرب به خدا است، یا بیان نوع جهت‌گیری، فلسفه حاکم را می‌شود تغییر داد؟ اگر به صورت واقعی تغییر می‌کرد، امروزه نباید شاهد این همه گزارش‌های منفی از وضعیت تربیت دینی در مدارس می‌بودیم (نمونه: کشاورز، ۱۳۸۷ ب؛ محمدیان، ۱۳۸۱؛ تصدیقی و تصدیقی، ۱۳۸۸).

در بررسی دیگر، این نتیجه به دست می‌آید که از دو حوزه مهم تربیت دینی (عقایدی و مناسکی)، طرح کلیات توجه ناچیزی به حوزه عبادی داشته است تا حدی که می‌شود گفت اساساً برای آن نه در مبانی و نه در اهداف و نه در اصول، بحث مستقل و خاصی را به آن اختصاص نداده است.

رویکرد واقعی نظام آموزش و پرورش و طرح کلیات آن، نمی‌تواند رویکرد تربیت دینی تلفیقی باشد. طرح کلیات سعی کرده که بگوید تلفیقی باشد، اما از راهکارها و نکاتی که ذیل فصل اجرایی طرح و همچنین توصیفاتی که ذیل برخی اصول آورده است، به دست می‌آید که رویکرد آموزش دین به صورت موضوعات مجزا را درون نظام آموزش و پرورش تزریق می‌کند. شاهد این مطلب گزارش‌ها و اسناد پشتیبان سند تحول بنیادین است. این تحقیق در واقع ریشه بسیاری از اشکالات را که در تحقیقاتی که در زمینه وضعیت تربیت دینی آموزش و پرورش و آسیب‌شناسی آن به عمل آمده را معین نموده است. به عبارت دیگر، ارتباط این تحقیق با پژوهش‌هایی که در پیشینه بیان شد، ریشه‌یابی یافته‌ها و برخی اشکال‌های موجود در تربیت دینی دانش‌آموزان نهاد رسمی تربیت در جمهوری اسلامی ایران است.

۱۰. پیشنهادهای پژوهش

در ادامه این تحقیق جا دارد که ابتدا روش‌های تربیت دینی هم در این طرح، مورد بررسی قرار گیرد. در گام بعدی یافته‌های این پژوهش در سند تحول بنیادین که مهم‌ترین سند در دهه سوم و چهارم انقلاب است، دنبال گردد. آیا سند تحول توانسته است کاستی‌های قبلی را در زمینه تربیت دینی نهاد رسمی تربیت کشور برطرف نماید؟ آیا رویکرد سند تحول همچنان به صورت رویکرد موضوعات مجزا دنبال می‌شود؟

— منابع —

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

اعرافی، علیرضا (۱۳۹۱). **فقه تربیتی: مبانی و پیش فرض‌ها**. قم: مؤسسه فرهنگی اشراق و عرفان. باقری، خسرو (۱۳۹۰). **نگاهی دوباره به تربیت اسلامی**. تهران: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش، ج ۱.

باقری، خسرو (۱۳۷۹). **تربیت اخلاقی و تربیت دینی**. در: مجموعه مقالات تربیت اسلامی، (کتاب دوم: ویژه تربیت اخلاقی). قم: مرکز مطالعات تربیت اسلامی، وابسته به وزارت آموزش و پرورش.

باهنر، ناصر (۱۳۷۶). توسعه فرهنگی و برنامه‌ریزی رسانه آموزش دینی در ایران. **دین و ارتباطات**، ۴، ص ۱۵۷-۱۷۲.

باهنر، ناصر (۱۳۷۸). **آموزش مفاهیم دینی همگام با روانشناسی رشد**. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.

بهرام محمدیان، محی‌الدین (۱۳۸۱). **تربیت دینی در نظام آموزش و پرورش: انتظارات و آرمان‌ها**. مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی، ۷، ص ۱۹۱-۲۰۸.

پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲). **نهج الفصاحه (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول (ص))**. تهران: دنیای دانش، چاپ چهارم. تصدیقی، محمدعلی؛ تصدیقی، فروغ (۱۳۸۸). **آسیب‌شناسی تربیت دینی**. در: مجموعه مقالات همایش تربیت دینی. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

حق‌شناس، مرجان؛ قاسمی، مریم (۱۳۶۸). **نقد و ارزیابی کارکردهای فعلی آموزش و پرورش در تربیت دینی**. تهران: پژوهشکده تعلیم و تربیت.

داوودی، محمد (۱۳۸۸). **تأملی در هدف تربیت اعتقادی**. تربیت اسلامی، ۴ (۹).

داوودی، محمد؛ کارآمد، حسین (۱۴۰۰). **فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی**. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

داوودی، محمد (۱۳۸۸). **تأملی در معنای تربیت دینی و نسبت آن با مفاهیم نزدیک**. در: مجموعه مقالات همایش تربیت دینی. قم: انتشارات مؤسسه امام خمینی.

رضویه، اصغر (۱۳۹۳). **روش‌های پژوهش در علوم رفتاری و تربیتی**. شیراز: نشر دانشگاه شیراز، چاپ سوم.

سعیدی رضوانی، محمود (۱۳۷۳). **بررسی نظرات مولفان کتب دینی دوره متوسطه، دبیران دینی و دانش‌آموزان سال چهارم دبیرستان‌های شهر مشهد در مورد میزان مطلوبیت محتوای کتب دینی چهارم متوسطه**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشکده علوم تربیتی، دانشگاه تهران.

سعیدی رضوانی، محمود؛ بینقی، تقی (۱۳۸۰). **تأملی در باب تناسب آموزش و پرورش با تربیت دینی**. تهران: نشر تربیت اسلامی.

سعید، اسماعیل‌علی (۱۳۸۰). **تربیت دینی**. در: مجموعه مقالات تعلیم و تربیت دینی. ترجمه شهاب‌الدین مشایخی‌راد. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

شکوهی، غلام‌حسین (۱۳۶۷). **تعلیم و تربیت و مراحل آن**. مشهد: آستان قدس رضوی.

صافی، احمد (۱۳۹۱). **آموزش و پرورش ایران در صد سال گذشته**. **رشد راهنمایی تحصیلی**، شماره ۲، (ویژه‌نامه یکصدمین شماره انتشار).

علاقه‌مند، علی (۱۳۹۰). **مبانی نظری و اصول مدیریت آموزشی**. تهران: نشر روان، ویراست ششم.

- علاقه‌مندان، جعفر (۱۳۸۱). سیر تحول اصلاحات و تربیت دینی در آموزش و پرورش. *پژوهش‌های تربیت اسلامی*، ۷. غزالی، ابوحامد (۱۴۱۶ق). *احیاء علوم‌الدین*. بیروت: دارالمعرفة للطباعة و النشر، ج ۱۲.
- کشاوریز، سوسن (۱۳۸۷الف). تحول در امر تربیت دینی دانش‌آموزان در نظام آموزش رسمی ایران. *راهبرد فرهنگ*، ۱، ص ۷۳-۱۱۲.
- کشاوریز، سوسن (۱۳۸۷ب). شاخص‌ها و آسیب‌های تربیت دینی. *تربیت اسلامی*، ۳(۶)، ص ۹۳-۱۲۲. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). *بحار الانوار*. بیروت: مؤسسة الوفاء، الطبعة الثانية، ج ۱۳.
- مشایخی‌راد، شهاب‌الدین (۱۳۷۸). دین و تربیت. *حوزه و دانشگاه*، ۱۹.
- مشایخی‌راد، شهاب‌الدین (۱۳۸۱). اصول تربیت از دیدگاه اسلام. *حوزه و دانشگاه*، ۳۲.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۸). *آموزش فلسفه*. تهران: چاپ و نشر بین‌الملل، چاپ هشتم، ج ۱.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۰). *فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی*. گروهی از نویسندگان. تهران: انتشارات مدرسه.
- موسوی، سید نقی (۱۳۹۱). *تلقین و حدود کاربرت آن در تربیت دینی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- وزارت آموزش و پرورش، ستاد اجرایی تغییر نظام (۱۳۶۹). *طرح کلیات نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران*. مصوب شورای تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش.
- هوشیار، محمدباقر (۱۳۲۷). *اصول آموزش و پرورش*. تهران: دانشگاه تهران.